خراسان روزنامه صبح ایران
سه‌شنبه ۴ آبان ۱۳۹۵ .۲۳ محرم ۱۴۳۸ .شماره ۱۹۳۸۴

حسنعلی منصور
(۱۳۴۳-۱۳۰۲ هـ.ش)

سیاستمدار و نخست وزیر دوره محمدرضا پهلوی بود. منصور گرایش آشکاری به آمریکا داشت و آمریکایی ها نیز، او را در رسیدن به قدرت حمایت می کردند. منصور به دلیل تلاش هایش در راستای اعطای امتیاز کاپیتولاسیون به مستشاران نظامی آمریکا، در میان مردم بسیار منفور بود. به همین دلیل، شهید محمد بخارائی، یکی از اعضای هیئت های مؤتلفه اسلامی، در بهمن ماه سال ۱۳۴۳ به زندگی او خاتمه داد.

پاورقی

گروه های چپ در ایران (بخش چهل و هشتم)

اختلافات ادامه دار

فرخ نگهدار

در قسمت‌های پیشین اشاره کردیم که همسویی چریک‌های اکثریت با برنامه‌های حزب توده، باعث شد که پس از آشکار شدن ماهیت اصلی این حزب، موقعیت آنها نیز در ایران به خطر بیفتد. مدتی پس از این واقعه، «فرخ نگهدار» و «علی توسلی» به مسکو رفتند تا با استفاده از جایگاهی که به دلیل همراهی با حزب توده به دست آورده بودند، مکان امنی برای خود دست و پا کنند. به پیشنهاد «اولیانفسکی» استاد دانشگاه مسکو و مسئول شعبه ایران در کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی، چریک‌ها، شهر تاشکند را برای استقرار اعضای فراری از ایران، برگزیدند. به تدریج، بیشتر کادرهای از هم گسیخته چریک‌های اکثریت در ایران، مخفیانه به شوروی گریختند و سر از تاشکند درآوردند؛ اما این پایان بحران نبود. اختلافات میان اعضای گروه، به دلیل تأسی از سیاست حزب توده، هر روز بیشتر می‌شد. سازمان عملاً به سه جناح تقسیم شده بود که هر جناح، سایه دو جناح دیگر را با تیر می‌زد! جناح چپ، متشکل از افرادی مانند «فرجا... ممبینی کاظمی»، «قربانعلی عبدالرحیم‌پور»، «نقی حمیدیان»، «بهزاد کریمی» و «علیرضا میرمؤیدی» بود. در جناح راست، افرادی مانند «فرخ نگهدار»، «علی توسلی» و «جمشید طاهری‌پور» حضور داشتند. جناح میانه نیز، از افرادی مانند «اصغر سلطان‌آبادی»، «مهدی فتاپور» و «حسن پوررضائی خلیق» شکل گرفته بود.

■ **پلنوم‌های بی‌فایده**

عبدالرحیم‌پور

برای پایان دادن به اختلافات، سازمان تصمیم به برپایی پلنوم گرفت؛ پلنومی که در مهرماه سال ۱۳۶۳ برگزار شد و چند قطعنامه هم صادر کرد، اما نتوانست دردی از چریک‌ها دوا کند و اختلافات آنها کاهش پیدا نکرد. به همین دلیل، چند ماه بعد، پلنوم دیگری برگزار شد؛ اما این پلنوم نیز، سرنوشتی بهتر از پلنوم نخست پیدا نکرد. جناح‌های فعال در سازمان، در پی عضوگیری جداگانه بودند. این کار می‌توانست قدرت چانه‌زنی آنها را در سازمان بالا ببرد، اما اتخاذ چنین رویکردی برای بقا و تمامیت سازمان بسیار خطرناک بود. «محمود نادری» در کتاب «چریک‌های فدایی خلق» می‌نویسد: «مدت‌ها پیش از پلنوم، یارگیری آغاز شده بود. بهزاد کریمی که به تازگی جایگزین جمشید طاهری‌پور در افغانستان شده بود، فرصت یافت تا به ترویج و تبلیغ نظرات خود در میان اعضایی بپردازد که از ایران، از طریق افغانستان، عازم تاشکند بودند. چندی بعد، عبدالرحیم‌پور از تاشکند به افغانستان شتافت تا او را در این راه یاری کند.» روابط جناح چپ و راست آن‌قدر خصمانه شده بود که چپ‌ها، طی توطئه‌ای از پیش طراحی شده، قصد پاکسازی جناح راست از سازمان را داشتند. چپ‌ها، جناح مقابل را متهم به انفعال می‌کردند. آنها خود را انقلابی واقعی می‌دانستند. این اختلافات چنان در ارکان سازمان چریک‌های اکثریت رخنه کرد که به نوشته «نادری»، در پلنوم ۲۵ فروردین‌ماه سال ۱۳۶۵ که در تاشکند برگزار شد، «اعضای کادرهایی که از ایران به تاشکند رفته بودند، برای این که یکدیگر را نشناسند، در پس پرده نشستند.» در همین پلنوم بود که چریک‌های اکثریت به حمایت از نیروهای جدایی طلب دموکرات در کردستان پرداختند و عملاً به ادعاهای قبلی خود مبنی بر طرفداری از تمامیت ارضی ایران، پشت کردند. آنها مدعی بودند که جمهوری اسلامی ایران، آغازگر جنگ تحمیلی است[!] و با این ادعای واهی، عملاً در راستای منافع رژیم بعث و همسو با منافقین گام برداشتند.

چگونگی تصویب قانون کاپیتولاسیون در مجلس دوره بیست و یکم

پذیرش ذلت در «جلسه ۱۰۴»

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

«کاپیتولاسیون» یا «حق قضاوت کنسولی»، امتیازی است که در یک کشور، به اتباع کشوری دیگر داده می‌شود. بر مبنای این حق، اتباع آن کشور از پیگردهای کیفری در کشور پذیرنده کاپیتولاسیون، مصون هستند و رسیدگی به جرایم آنها در کشور متبوعشان انجام می‌شود. در طول تاریخ ایران، چنین حقی سه بار به اتباع دیگر کشورها داده شده است؛ در اواخر دوره صفویه، به فرانسوی‌ها، در اوایل دوره قاجار به روس‌ها و در اواسط دوره پهلوی به آمریکایی‌ها. پذیرش اعطای این امتیاز از سوی یک کشور، افزون بر تبعات سیاسی و اجتماعی، تأثیر نامطلوبی بر روحیه مردم آن کشور دارد و احساس حقارت سنگینی را در مردم ایجاد و رژیم اعطاکننده این امتیاز را در منظر آنها، به شدت منفور می‌کند.

در واقع، می‌توان اعطای امتیاز کاپیتولاسیون را، تهدید جدی عزت یک ملت دانست؛ موضوعی که امام خمینی(ره) را بر آن داشت تا اعتراض شدیداللحن خود را نسبت به تصویب این قانون ذلت‌بار در مجلس شورای ملی دوره بیست و یکم، اظهار کنند و نسبت به عواقب آن هشدار دهند. ایشان طی سخنرانی پرشوری در ۴ آبان‌ماه سال ۱۳۴۳، در سالروز میلاد حضرت فاطمه زهرا(س)، خطاب به مردم متدین قم، فرمودند: «من تأثرات قلبی خودم را نمی‌توانم اظهار کنم. قلب من در فشار است. این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده‌ام خوابم کم شده است [گریه حضار]... با تأثرات قلبی، روزشماری می‌کنم که چه وقت مرگ پیش بیاید [گریه شدید حضار]. ایران دیگر عید ندارد [گریه حضار]. عید ایران را عزا کرده‌اند [گریه حضار]؛ عزا کردند و دسته جمعی رقصیدند [گریه حضار]. ما را فروختند، استقلال ما را فروختند... عزت ما پایکوب شد؛ عظمت ایران از بین رفت؛ عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند. قانونی در مجلس بردند؛ در آن قانون، اولاً ما را ملحق کردند به پیمان وین؛ و ثانیاً، الحاق کردند به پیمان وین [تا] مستشاران نظامی، تمام مستشاران نظامی آمریکا با خانواده‌هایشان، با کارمندهای فنی‌شان، با کارمندان اداری‌شان، با هر کس که بستگی به آنها دارد، این‌ها از هر جنایتی که در ایران بکنند، مصون هستند! اگر یک خادم آمریکایی، اگر یک آشپز آمریکایی، مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاه‌های ایران حق ندارند محاکمه کنند، بازپرسی کنند، باید بروند آمریکا! آنجا در آمریکا، ارباب‌ها تکلیف را معین کنند!» (صحیفه امام(ره)؛ ج ۱؛ صص ۴۱۵ تا ۴۱۶)

اعتراض امام خمینی(ره) به تصویب قانون کاپیتولاسیون، دلیل اصلی بازداشت و تبعید ایشان از ایران به ترکیه بود. اعطای این امتیاز به آمریکایی‌ها بود که جوانان مبارز عضو هیئت‌های مؤتلفه اسلامی را بر آن داشت تا خیانت «حسنعلی منصور»، نخست‌وزیر وقت را، با خشم انقلابی خود پاسخ دهند و او را در اول بهمن ۱۳۴۳ به سزای اعمالش برسانند. با وجود شهرت تاریخی اعتراض امام خمینی(ره) به اعطای کاپیتولاسیون، بسیاری از مردم اطلاعات زیادی درباره کم و کیف قانون مورد اعتراض ایشان و چگونگی تصویب آن، ندارند. در این گزارش برآنیم تا این موضوع را با استفاده از صورتجلسات مجلس شورای ملی مورد بررسی قرار دهیم.

■ **عزتی که به ۲۰۰ میلیون دلار فروخته شد!**

شاه پس از سرکوب قیام ۱۵ خرداد، بیش از گذشته به آمریکایی‌ها وابسته شد. درآمدهای نفتی ایران هنوز افزایش چشمگیری پیدا نکرده و شاه درصدد بود کسری بودجه کشور را با وام گرفتن از آمریکایی‌ها جبران کند. آمریکایی‌ها هم مایل به اعطای وام به ایران بودند. این اقدام می‌توانست سود سرشاری را نصیب آنها و افزون بر این، راه نفوذ بیشتر در ایران را هموار کند. شاه در سفر خود به آمریکا، در تیرماه سال ۱۳۴۳، درخواستش را مطرح کرد؛ اما آمریکایی‌ها پذیرش این درخواست را منوط به اعطای امتیازات نمایندگان سیاسی کشورها، مندرج در کنوانسیون وین، به مستشاران نظامی‌شان در ایران کردند. این مقاوله‌نامه تحت عنوان «قانون مربوط به قرارداد وین درباره روابط سیاسی»، توسط نماینده دولت ایران، در سال ۱۳۴۰ هـ.ش امضا شد، اما در آن زمان، هنوز به تصویب مجلس شورای ملی نرسیده و وجهه قانونی پیدا نکرده بود. با این حال، آمریکایی‌ها اصرار داشتند که چنین امتیازی به مستشاران نظامی آنها در ایران داده شود. شاه که در برابر خواست آمریکایی‌ها تسلیم محض بود، موضوع را به حسنعلی منصور، نخست‌وزیر وقت، اطلاع داد و از او خواست لایحه‌ای برای تصویب خواسته آمریکایی‌ها به مجلس ببرد و منصور چنین کرد. طبق لایحه تقدیمی نخست‌وزیر به مجلس، امتیاز مواد ۲۹ تا ۳۵ کنوانسیون وین که مختص مأموران سیاسی کشورها و دیپلمات‌ها بود، به مستشاران نظامی آمریکایی اعطا می‌شد. برای آن که در برابر باج شاه به آمریکایی‌ها اطلاع بیشتری به دست آوریم، بد نیست قسمت‌هایی از مواد ۲۹ تا ۳۵ را مرور کنیم. طبق ماده ۲۹ کنوانسیون، «شخص مأمور سیاسی مصون است و نمی‌توان او را به هیچ عنوان مورد توقیف یا بازداشت قرار داد.» بر اساس ماده ۳۱، «مأمور سیاسی در کشور پذیرنده از مصونیت تعقیب جزایی برخوردار است و از مصونیت دعاوی مدنی و اداری نیز بهره‌مند خواهد بود.» طبق بند ۳ همین ماده، «علیه مأمور سیاسی مبادرت به هیچ گونه عملیات اجرایی نخواهد شد.» همچنین، بر اساس بند ۲ ماده ۳۳، «معافیت مندرج در بند یک این ماده نیز، شامل خدمتکاران شخصی که در خدمت انحصاری مأمور سیاسی می‌باشد، می‌گردد.» بنابراین، قرار بود به مستشاران نظامی آمریکا، اعم از افسر، درجه‌دار و خدمه، امتیازی اعطا شود که بر اساس آن، این افراد و کسانی که تحت تکفل و حمایت آنها بودند، در صورت ارتکاب جرم، از هرگونه تعقیب کیفری در ایران مصون باشند. آمریکایی‌ها قرار بود این امتیاز را در مقابل اعطای وامی ۲۰۰ میلیون دلاری به ایران، به دست بیاورند.

■ **تصویب ذلت در مجلس سنا**

موضوع اعطای امتیاز کاپیتولاسیون به مستشاران نظامی آمریکا در ایران، پس از بازگشت شاه به کشور، به سرعت در دستور کار قرار گرفت و ابتدا، در ۳ مردادماه سال ۱۳۴۳، در مجلس سنا مطرح شد؛ مجلسی که نیمی از آن، منصوبان مستقیم شخص شاه بودند. سناتورها طی یک روز، موضوع اعطای امتیاز را بررسی کردند و به آن رأی مثبت دادند تا برای تصویب نهایی، به مجلس شورای ملی ارسال شود.

■ **در آن جلسه چه گذشت؟**

نخست‌وزیر، طرح اعطای امتیاز کاپیتولاسیون به مستشاران نظامی آمریکا را به مجلس بردوقرار شد در جلسه ۱۰۴ مجلس شورای ملی دوره بیست و یکم مطرح شود. این جلسه، روز سه‌شنبه، ۲۱ مهرماه سال ۱۳۴۳ برگزار شد. دقیقاً معلوم نیست که چرا طرح موضوع در مجلس شورای ملی، حدود ۴ ماه بعد از تصویب مجلس سنا انجام شده است، اما به نظر می‌رسد، رژیم از تبعات تصویب چنین قانونی واهمه داشت؛ قانونی که حتی نمایندگان فرمایشی مجلس شورای ملی نیز، از رأی دادن به آن بیمناک بودند و اکراه داشتند. به هر حال، جلسه تصویب اعطای کاپیتولاسیون، ساعت ۹ و ۱۵ دقیقه صبح، به ریاست دکتر خطیبی آغاز شد. خطیبی نایب‌رئیس مجلس بود. ظاهراً عبدا...ریاضی، رئیس وقت مجلس شورای ملی، ترجیح داده بود غایب باشد و از تبعات رأی دادن به چنین طرحی، مصون بماند. همراه با او، ۲۱ نفر از نمایندگان مجلس نیز، با بهانه‌های مختلف، آن روز غایب بودند. خطیبی موضوع تصویب کاپیتولاسیون را، آخرین موضوع قابل بررسی در دستور جلسه آن روز قرار داده بود. حسنعلی منصور نیز برای ارائه توضیحات در مجلس حاضر شد. زمان طرح بحث، بعدازظهر بود. بسیاری از نمایندگان، از جمله صادق احمدی به زمان طرح بحث اعتراض داشتند.

■ **با گروهبان آمریکایی چه کار می‌کنید؟**

منصور پشت تریبون مجلس قرار گرفت و درباره محاسن اعطای امتیاز صحبت کرد. در میانه صحبت‌های او، صادق احمدی، که هم به طرح اعتراض داشت و هم به زمان بررسی آن، وسط حرف نخست‌وزیر پرید و پرسید: «توضیح بفرمایید که [براساس طرح پیشنهادی شما،] با گروهبان آمریکایی که پیروز سه نفر را کشت چه [گونه] می‌شود [رفتار کردوپیگیری] این تصادف اتومبیل چطور [انجام] می‌شود؟» منصور از پاسخ دادن به پرسش احمدی طفره رفت؛ انگار که هیچ اشکالی مطرح نشده است. احمدی دوباره پرسش خود را مطرح کرد: «اگر یک گروهبان [آمریکایی] مرتکب جرمی شد، چه می‌شود؟» منصور که از این پرسش برآشفته بود، تلویحاً پاسخ داد که فرد مذکور در شمول افراد مورد نظر طرح است و نمی‌توان با او کاری کرد. تعدادی از نمایندگان وابسته به حزب ایران نوین، حزبی که منصور دبیر کل آن بود، شروع به تعریف و تمجید از نخست‌وزیر و طرح او کردند؛ اما اقلیت مجلس، انتقادات خود را ادامه دادند؛ انتقاداتی که عموماً به راحتی از سوی منصور پاسخ داده می‌شد و چالشی جدی را بر نمی‌انگیخت.

■ **تمام این کارها، مغلطه‌بازی است!**

در این میان، بالاخانلو، یکی از نمایندگان اقلیت، پیشنهادی به این شرح تقدیم مجلس کرد: «به منظور رفع هرگونه سوءتفاهم و روشن شدن اذهان عمومی از حسن‌نیت نمایندگان مجلسین، در حسن روابط فیمابین کشور ایران و دولت آمریکا و توجه به این که عده‌ای از اطبای حاذق و مهندسین عالی مقام ایرانی در خدمت کشور آمریکا می‌باشند و خدمات آنها به مردم آمریکا، کمتر از همکاری فنی مستشاران نظامی آمریکا در ارتش ما نیست، پیشنهاد می‌نماید متقابلاً اتباع ایرانی که در خدمت کشور آمریکا می‌باشند، از مقررات این قانون در کشور آمریکا استفاده نمایند.» با این پیشنهاد، برخی از حاضران خندیدند. منصور با خونسردی توضیحاتی را ارائه کرد؛ توضیحاتی که از آن می‌شد دریافت که ایران قادر به طرح چنین درخواستی در برابر آمریکا، نیست چرا که ایران مدت‌هاست از کمک‌های آمریکایی‌ها استفاده می‌کند و بعدها هم نیاز به این کمک‌ها دارد! بالاخانلو که از مسخره کردن حاضران برآشفته بود، خطاب به منصور گفت: «جناب آقای نخست‌وزیر در جواب عرض بنده فرمودند [آمریکا] کمک کرده؛ ما نگفتیم نکرده! اما اگر [بناست کار شما] تمام مغلطه‌بازی [باشد] بفرمایید، [هر کاری می‌خواهید بکنید!]»

■ **اگر کسی متعرض زنان شد ...**

بعد از صحبت‌های بالاخانلو، هر نماینده‌ای، حرفی می‌زد، اما هیچ یک حاضر نبودند مشکل اصلی پذیرفتن اعطای این امتیاز را اظهار کنند. تا این که صادق احمدی، موضوع استفاده درجه‌داران لاابالی آمریکایی از این امتیاز را بهانه کرد و گفت: «از درجه‌دارهاست که مردم ناراحتند[!] و می‌گویند اگر ما فردا، مثلاً بازنمان بیرون رفتیم و یک گروهبان آمریکایی به زن ما تعرضی کرد، نمی‌توانیم به هیچ جا مراجعه کنیم. این جاست که مردم را عصبانی می‌کند؛ دیروز در روزنامه خواندید که یک گروهبان آمریکایی سه نفر را زیر کرده است. خود بنده در موقع [اشتغال در] دادستانی، پرونده‌هایی از گروهبان‌های نظامی آمریکا داشتم که افرادی را زیر کرده بودند. [حالا] شما می‌خواهید [به این طرح] رأی بدهید، وجدانتان را چطور قانع می‌کنید؟... وقتی که بنده دیدم بچه‌امزیر اتومبیل یک نفر آمریکایی رفت و هیچ مرجعی را ندارم شکایت بکنم، چه کار می‌کنم؟ می‌روم آمریکایی را می‌کُشم! این به ضرر خود آنهاست؛ نکنید این کار را!» منصور، بی تفاوت به سخنان احمدی، گفت: «این یک مصونیت معقول [و] متداول [در] دنیای متمدن امروز است[!]» اعتراضات تعدادی دیگر از نمایندگان، از جمله پابنده، سرتیپ‌پور و فولادوند نیز، توسط خطیبی، نایب‌رئیس مجلس، قطع شد تا مجلس شورای ملی دوره بیست و یکم، در صدو چهارمین جلسه خود، وارد رأی‌گیری برای تصویب طرحی ذلت‌بار شود. نمایندگان که از برملا شدن آرای خود بیمناک بودند، خواستند که رأی‌گیری به صورت مخفی انجام شود: «ریاست معظم مجلس شورای ملی؛ طبق ماده ۱۴۸ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای ملی، تقاضا دارد در لایحه اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیت‌ها و معافیت‌های قرارداد وین، اخذ رأی مخفی با مهر انجام گیرد. [امضاکنندگان پیشنهاد:] عبدالحسین طباطبائی-ملکشاه مظفر-سرهنگ حسینی-ایلخان-بالاخانلو-جاوید-دکتر اسدی-دکتر رمضانی-موقر-امام مردوخ-سرتیپ‌پور-نیری-مهندس بهبودی-پاینده-معتمدی-زهتاب‌فرد-رامبد.» رأی‌گیری مخفی به پایان رسید. از ۱۳۶ رأی مأخوذه، ۷۴ نماینده رأی موافق دادند و ۶۱ نماینده، رأی مخالف. به این ترتیب، ساعت ۵ بعدازظهر، وقتی چکش اعلام پایان جلسه شماره ۱۰۴ را روی میز ریاست مجلس کوبید، یکی از ذلت‌بارترین و حقارت‌آمیزترین طرح‌های پیشنهادی در تاریخ مجلس شورای ملی، به تصویب رسید. این مصوبه تا پیروزی انقلاب اسلامی برقرار بود و سرانجام، در ۲۳ اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۵۸، توسط شورای انقلاب لغو شد.

نگاهی به مبارزات شهید بخارایی و یارانش

شهدای چهارگانه با اعدام انقلابی منصور به دنبال چه بودند؟

گزارش تاریخی

اعدام انقلابی منصور، امری خطیر بود؛ از این رو که به بهای از دست رفتن جان مجریانش تمام می‌شد. با همه این ها، چهار نفر برای این امر اعلام آمادگی کردند. چرایی هدف مجریان اعدام را، بیش از آن که در شخص منصور جست‌وجو کنیم، باید در ماهیت رژیم پهلوی از یک سو و جوانفعالی که در آن برهه ایجاد شده بود، بیابیم. مبارزات انقلابیّون علیه رژیم پهلوی دارای یک روند کاملاً تدریجی و نهادینه بود. تدریجی از این رو که نخستین اعتراضات نسبت به ساختار سیاسی بیمار حکومت پهلوی، به صورت مدنی صورت گرفت و طبیعتاً، با توجه به اقدامات سیاسی و نوع برخورد رژیم با این اعتراضات، به تدریج شیوه اعتراضات نیز تغییر کرد. مهم‌ترین دلیل برای نهادینه شدن این اعتراضات نیز، وجود رهبری حضرت امام(ره) بود. به زبانی گویاتر، تمامی فعالیّت‌های معترضان در مسیر پیروزی انقلاب اسلامی، با یک برنامه و هدف مشترک صورت گرفت که بدون وجود هر و تمرکز در تصمیمات، نتیجه حاصل، این چنین نمی‌شد. جرقه‌های اولین اعتراضات مسلّحانه، اوایل دهه ۱۳۴۰ زده شد. سخنرانی‌های حضرت امام(ره)، درباره تصویب لایحه کاپیتولاسیون که در دوران صدارت حسنعلی منصور صورت گرفت، موج اعتراضات علیه رژیم را، از مرحله مدنی و راهپیمایی صِرف، وارد مرحله مسلّحانه کرد. حضرت امام خمینی(ره) به دلیل اعتراضات شدید علیه تصویب لایحه کاپیتولاسیون و سخنرانی‌های کوبنده علیه رژیم پهلوی، در روز ۱۳ آبان ۱۳۴۳ به ترکیه و پس از آن، به عراق تبعید شدند. پس از تبعید حضرت امام(ره)، گروهی از شاگردان و مریدان ایشان، با تشکیل هیئت‌های مؤتلفه اسلامی که عموماً، از دل هیئت‌های عزاداری بیرون می‌آمد، برای مبارزات مسلحانه، گروه‌های مختلفی را تشکیل دادند. در این بین، ۴ نفر از جوانان مذهبی و تحصیل کرده، به رهبری محمد بخارایی که گروه یاران مؤتلفه را تشکیل داده بودند، اعدام انقلابی حسنعلی منصور را، به عنوان مسبّب تصویب لایحه کاپیتولاسیون در مجلس شورای ملی، به عنوان شروع اقدامات مسلّحانه انتخاب کردند. صبح روز پنجشنبه، یکم بهمن ماه سال ۱۳۴۳، هنگامی که منصور جلوی مجلس شورای ملی، برای تقدیم لایحه اخذ قرارداد بین شرکت ملی نفت ایران با چند شرکت اروپایی و آمریکایی، حضور یافته بود، به وسیله محمد بخارایی هدف اصابت چند گلوله قرار گرفت و کشته شد. این عملیات به وسیله ۴ نفر از اعضای هیئت‌های مؤتلفه اسلامی، به نام‌های محمد بخارایی، رضا صفار هرندی، مرتضی نیک نژاد و محمدصادق امانی صورت گرفت. طبق اسناد موجود، در روز عملیات، هر چهار نفر مجریان اعدام مسلح بودند و قرار بر این بود که هر کدام دارای موقعیّت بهتری بود، منصور را هدف قرار دهد. بخارایی بلافاصله پس از تیراندازی دستگیر شد، پس از آن نیروهای ساواک افراد دیگر مربوط به این ماجرا را، دستگیر کردند و طی برگزاری یک دادگاه کاملاً فرمایشی، احکام هر کدام، به این این شرح صادر شد: محمد بخارایی (اعدام)، مرتضی نیک نژاد (اعدام)، رضا صفار هرندی (اعدام)، حاج صادق امانی (اعدام)، حاج مهدی عراقی (حبس ابد)، حاج حبیبا... عسگراولادی (حبس ابد). همچنین، دادگاه سید علی اندرزگورا، به طور غیابی، به اعدام محکوم کرد. هرچند وی متواری شد و سرانجام در تاریخ ۲ شهریور ۱۳۵۷، در یک درگیری مسلحانه با نیروهای ساواک در تهران، به شهادت رسید.

■ **محمد بخارایی**

محمد بخارایی، فرزند علی اکبر، متولد ۱۳۲۳ در جنوب تهران بود. آشنایی وی با رضا صفار هرندی، عضو دیگر هیئت‌های مؤتلفه اسلامی، به دوران پس از پایان تحصیل در دبیرستان باز می‌گردد. حضور این دو در جلسات حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی اصغر هرندی، موجب آشنایی آنها با اسلام و اندیشه‌های حضرت امام(ره) شد. آشنایی این دو با هیئت‌های مؤتلفه اسلامی هم، به سخنرانی‌های پرشور امام(ره) در مبارزه با لایحه کاپیتولاسیون باز می‌گردد که در این بین، حاج مهدی عراقی، آنها را برای جهاد مسلحانه علیه رژیم پهلوی مناسب تشخیص داد و دعوت کرد. این اتفاق مقدمه‌ای برای آشنایی آنها با محمد صادق امانی، به عنوان ضلع سوم اجرای اعدام انقلابی شد. امانی نقش مهمّی در رشد بخارایی و صفار هرندی داشت و توانست عملیات مسلّحانه را به این افراد آموزش دهد.

■ **محمدصادق امانی**

محمد صادق امانی همدانی، متولد سال ۱۳۰۹ در تهران بود. وی به عنوان یکی از کسبه بازار فعالیّت می‌کرد. با این حال، به گفته حاج مهدی عراقی؛ «خودش یک مجتهد بود و قریب ۶ هزار حدیث از حفظ بود، مربی اخلاق بود، درس اخلاق داشت. بچه‌های زیادی از شاگردانش بودند که روزهای جمعه، به خصوص، به آنها درس اخلاق می‌داد.» صادق امانی که از نزدیک با حضرت امام(ره) در ارتباط بود، در آغاز، رهبری گروه شیعیان را بر عهده داشت؛ ولی پس از آن و با نظر امام خمینی (ره)، به همراه جمعی دیگر از فعالین، مؤتلفه اسلامی را تأسیس کرد. وی طراحی عملیات اعدام حسنعلی منصور را که به عملیات بدر معروف شد، بر عهده داشت. امانی پس از مرگ منصور، تحت تعقیب ساواک بود و سرانجام، روز یازدهم بهمن ماه ۱۳۴۳، در منزل ابوالقاسم رضوی فرد بازداشت شد و در پی صدور حکم دادگاه نظامی رژیم پهلوی، به همراه دیگر یارانش، در ۱۳۴۴/۳/۲۶ به شهادت رسید. نقش وی در رهبری مؤتلفه بی بدیل بود، در خور ذکر است که افراد زیادی مانند اندرزگو، بخارایی، نیک نژاد و صفار هرندی، با دعوت و هدایت وی به جمع انقلابیون پیوستند و توانستند نقش مهمی در پیروزی انقلاب سال ۵۷ ایفا کنند.

■ **رضا صفار هرندی**

رضا صفار هرندی فرزند علی اکبر متولد ۱۳۲۵ در یک خانواده مذهبی زندگی می‌کرد. برادروی، حجت الاسلام حاج شیخ علی اصغر هرندی، روحانی آزاده خدوم و مردمی بود که همزمان با شغل پارچه فروشی، اقامه نماز جماعت مسجد دروازه غار تهران را نیز بر عهده داشت. رضا صفار هرندی، نزد برادر خود با آموزه‌های اسلام آشنا شد و به تدریج اقدام به تبلیغ دین در میان جوانان و نوجوانان کرد. آشنایی وی با محمد بخارایی و نیک نژاد، به جلسات مذهبی مساجد برمی‌گردد. با شروع نهضت حضرت امام(ره)، وی نیز به همراه دوستانش، با مؤتلفه اسلامی آشنا شد و عملیات مسلّحانه را برای مبارزه با رژیم پهلوی برگزید. رضا صفار هرندی، پس از اعدام منصور، در تلاش بود تا به همراه نیک نژاد، زندگی مخفی را شروع کند که به وسیله نیروهای ساواک دستگیر و سرانجام در سحرگاه ۲۶ خرداد ۱۳۴۴ به همراه همرزمانش، تیرباران و به درجه رفیع شهادت نائل شد.

■ **مرتضی نیک نژاد**

مرتضی نیک نژاد، متولد ۱۳۲۱ بود و همچون بخارایی، در منطقه جنوب تهران به دنیا آمد. وی نیز، همچون صفار هرندی، در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود و از همان ابتدا، با اصول اسلام و آموزه‌های دینی آشنا شد. وی پس از اتمام دوران ابتدایی، با توجه به شرایط نه چندان مناسب اقتصادی خانواده، در بازار تهران به شغل گالش فروشی مشغول شد. آشنایی اش با صفار هرندی و محمد بخارایی به جلسات دینی حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی اصغر هرندی برمی‌گردد که به واسطه شرکت در همین جلسات، مقدمات آشنایی مرتضی با مؤتلفه اسلامی نیز میسر شد. در جریان عملیات بدر، نقش پشتیبانی محمد بخارایی بر عهده وی بود که پس از ترور منصور، با شلیک چند تیر هوایی موجبات فرار بخارایی را فراهم کرد. هرچند نیروهای ساواک، در نهایت مانع این امر شدند. نیک نژاد، همچون صفار هرندی توانست از صحنه عملیات فرار کند، ولی در نهایت، به همراه وی دستگیر شد. نکته قابل تأمل در خصوص نیک نژاد این است که روز جلسه دادگاه وی به شدت مریض بود و قادر به حرکت نبود، با این حال، به دستور قاضی او را با برانکار به جلسه آوردند و در حالی که روی نیمکت دراز کشیده بود، محاکمه شد. سرانجام وی نیز به همراه دیگر اعضای مؤتلفه در سحرگاه ۲۶ خرداد ۴۴ به شهادت رسید.

■ **انگیزه‌های اعدام انقلابی منصور**

بی تردید، مهم ترین انگیزه ترور حسنعلی منصور که از یک خانواده کاملا سیاسی و اشرافی به قدرت رسید، تلاش‌های زیادوی برای تصویب لایحه کاپیتولاسیون در مجلس شورای ملی بود. لایحه‌ای که عملا این اختیار را به مستشاران آمریکایی می‌داد تا با وجود عمل به هرگونه رفتارهای غیرقانونی در خاک ایران، امکان محاکمه آنها در مراجع قضایی ایران وجود نداشته باشد و فقط در مراجع قضایی آمریکایی بتوان علیه این افراد شکایتی طرح کرد. منصور، از جمله سیاسیون دربار پهلوی بود که رابطه بسیار نزدیکی با دولت آمریکا داشت و به همین جهت، به طرق مختلف، چه به وسیله انعقاد قراردادهای یک طرفه شرکت نفت ایران با شرکت‌های آمریکایی یا دادن امتیازهای ویژه به آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی، موجبات به تاراج رفتن قسمتی از سرمایه و غرور ملی و مذهبی کشور را فراهم کرده بود.

■ **عقاید مؤتلفه اسلامی**

همان‌طور که اشاره شد، مؤتلفه اسلامی از دل هیئت‌های عزاداری و مساجد بیرون آمد. این گروه که با تأیید مستقیم حضرت امام(ره) تشکیل شده بود، با هدف مبارزه مسلّحانه با رژیم پهلوی شکل گرفت. اعضای این گروه، عموماً افرادی بودند که اسلام و ترویج اسلام راستین، بزرگ ترین دغدغه آنها بود. به همین دلیل، آشنایی کاملی با آموزه‌های اسلامی داشتند. مؤتلفه اسلامی می کوشید با ترویج و اجرای صحیح اسلام، در میان تمامی اقشار جامعه، مانع بروز فساد و بی اخلاقی در متن جامعه شود. به همین دلیل و با توجه به کارساز نبودن اعتراضات مدنی در مقابل اقدامات ضددینی و ملی رژیم پهلوی، عملیات مسلّحانه را به عنوان آخرین راه نجات ایران انتخاب کردند.

■ **پیامدها و نتایج اعدام انقلابی منصور برای جامعه ایران**

اعدام منصور زمانی رخ داد که ظلم رژیم پهلوی بر مردم، بیش از پیش شده و سرکوب‌های گسترده ساواک، موجی از ترس و هراس را در جامعه به وجود آورده بود. در این بین، ترور منصور، به عنوان نخست وزیر رژیم پهلوی، موجب تقویت روحیه مبارزان برای اقدامات مسلّحانه و اعتراضات گسترده‌تر شد. مسئله مهم دیگر، آگاهی مردم از اختیارات بیگانگان در ایران و واگذاری امتیازات بی شماری بود که از سوی حکومت پهلوی به کشورهای بیگانه داده می‌شد. اعدام منصور، موجی از آگاهی را در جامعه به وجود آورد که این مسئله کار را برای رژیم پهلوی سخت کرد.

منبع: پایگاه اینترنتی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

لطفاً پیگیری کنید
۰۹۳۹-۳۳۳۳۰۲۷
@khorasanerazavi

جناب آقای مهندس علی رهنما
حسن انتخاب مجدد جنابعالی را بعنوان
مدیر کنترل کیفیت نمونه استاندارد
را که مبین تعهد، وظیفه شناسی و تلاشهای خستگی ناپذیر شما می باشد را تبریک عرض نموده از درگاه ایزدمنان توفیقات روزافزون و سلامتی شما را خواستاریم.
درود بر همت بلندتان
مدیریت و پرسنل مجتمع کشت و صنعت چین چین
۹۵۲۳۲۵۸۵/ق

همسر مهربان و پدر پر تلاش
آقای موسی الرضا صائمی فرد
قبولی ات را در رشته دکترای تخصصی مشاوره که نشانه تلاش شبانه روزی ات بر این موفقیت است تبریک می گویم و موفقیتت را از خداوند منان خواستارم
همسرت
۹۵۲۳۲۵۰۴/ق

جناب آقای دکتر هدایتی
شهردار محترم منطقه ۵
بدینوسیله مراتب تقدیر و تشکر خود را از جنابعالی و همکاران خدومتان در فضای سبز، خدمات شهری فنی و عمران، فرهنگی روابط عمومی و اداره ناحیه ۱ در زمینه آسفالت محوطه، ساخت باغچه و رنگ آمیزی دیوارها و برگزاری جشن غدیر فرزندان خانه گلستان رضا اعلام می نماییم.
مدیر عامل و هیئت مدیره
خیریه امام رئوف (ع)
۹۵۲۳۱۹۹۰/ق

جناب آقای دکتر کوروش اخوان رضایت
متخصص ارتوپدی
آن گاه که دردمندی سلامت خود را بازیابد و دستی به نشان شکر به آسمان بلند کند ملائک تورا می ستایند. بدین وسیله از زحمات بی دریغ جنابعالی در امر جراحی پروتز زانوی اینجانب کمال تقدیر و تشکر را دارم.
محمد صادقی- شهرچکنه
۹۵۲۳۳۳۱۲/م

آگهی مناقصه عمومی شماره ۹۵/۰۵
شرکت مدیریت تولید برق طوس در نظر دارد انجام خدمات فنی کارگاههای مکانیک و الکتریک